



اشاره:

سخن از «تاریخ پس از ظهور»، به همان اندازه که جالب توجه، مهم و درس آموز است، به همان اندازه نیز پُرچالش و لبالب از نادانسته‌هاست؛ زیرا تنها منبع آگاهی از آن، روایات اندکی است که به گشودن روزنه‌ای محدود در برابر دیدگان ما بسنده کرده و تنها خطوطی کلی از کتاب سعادت آدمی را واسپس ظهور منجی کل (ع) ترسیم نموده است. این روایات در مواردی، دارای مشکلات و کاستی‌هایی از قبیل: نمادین و رمزی بودن، کلی گویی، وجود گسست در نقل زنجیره حوادث و... می‌باشد.

با همه این اوصاف، در این مقال برآنیم تا به شکلی فشرده و مجمل از «تاریخ پس از ظهور» بگوییم. آنچه در پی می‌آید گزارشی گذرا از کتابی تحت همین عنوان است. این کتاب نسبتاً قطور، تألیف شهید آیت‌الله سید محمد صدر می‌باشد که ترجمه آن در سال ۱۳۸۴ به قلم راقم این سطور، توسط مؤسسه فرهنگی موعود چاپ و منتشر گردیده است.

این کتاب در سه بخش، با این عناوین سامان یافته است: ۱. نشانه‌ها و مقدمات ظهور، ۲. حوادث دوران ظهور و برپایی دولت جهانی امام مهدی (ع) تا وفات (شهادت) آن حضرت، ۳. جهان پس از امام مهدی (ع). در اینجا به رئوس مهم‌ترین مطالب بخش‌های دوم و سوم خواهیم پرداخت.

از روایات استفاده می‌شود که امام(ع) با آنها براساس امری جدید و کتابی جدید که بر عرب سخت می‌آید، بیعت می‌نماید. از امام امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که «آن حضرت از یارانش بیعت می‌ستاند که هرگز دزدی نکنند، زنا ننمایند، مسلمانی را دشنام ندهند، بی‌گناهی را نکشند، پرده حرمت انسان‌ها را ندرند... طلا و نقره و گندم و جو را نیندوزند، بدانچه نمی‌دانند گواهی ندهند، به کم دنیا قناعت کنند و... در برابر، او نیز بر خویشتن تعهداتی را می‌پذیرد: از راه آنها برود، همان‌طور ببوشد که آنها می‌پوشند، هر آنچه آنها سوار می‌شوند، سوار شود... به کم راضی باشد... و برای خود نگهبان در دریانی نگمارد. سیوطی ماجرای بیعت را از ابن مسعود چنین نقل می‌کرده است: «او (مهدی) در بین رکن و محبت او را در دل مردم می‌افکند و با گروهی که شیران روز و زاهدان شباند همراه می‌شود».

### ۳. یاران امام(ع): ویژگی‌ها

درباره خصوصیات و ویژگی‌های یاران امام مهدی(ع)، روایات بسیاری رسیده است. به عنوان نمونه ابن مسعود روایت شده است که پیامبر(ص) فرمود: «من به نام آنها (یاران مهدی) و پدرانشان و رنگ‌هایشان از هر کس دیگری آگاه‌ترم. آنها در آن روزگار بهترین سواران روی زمین هستند». در حدیث از ام سلمه نقل شده است که آن حضرت(ص) فرمود: «مؤمنان واقعی شام و گروه‌هایی از عراق به نزد او می‌آیند و با وی در بین رکن و مقام بیعت می‌نمایند». محمد بن حنفیه گوید: «نزد علی بن ابی‌طالب بودیم. مرد از او درباره مهدی پرسید، حضرت فرمود: ... پس از ظهور، خداوند گروهی از یاران پراکنده او را همچون ابرها برایش جمع می‌کند و دل‌هایشان را با یکدیگر الفت می‌دهد. آنها نه از کسی هراس دارند و نه به کسی دل خوش‌اند. تعداد آنها به شمار اصحاب پیامبر در جنگ بدر می‌باشد و نیز به تعداد اصحاب طالوت که به همراه او از نهر آب عبور کردند... قندوزی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل کرده است که آن دو بزرگوار در تفسیر آیه شریفه «و لئن اُخْرنا عنهم العذاب إلى امة معدودة»، امت معدوده را همان اصحاب مهدی(ع) در آخرالزمان دانسته‌اند که سیصد و سیزده نفرند که همگی در یک زمان مانند ابرهای پراکنده پاییزی گرد هم می‌آیند. در خبری از امام علی(ع) نقل شده است: «آنها گروهی هستند که همچون ابرهای پراکنده پاییزی در آخرالزمان گرد هم می‌آیند... به خدا سوگند فرمانده آنان را می‌شناسم و محل فرودشان را می‌دانم... آنان جوان‌اند و پیری در میان آنها نیست مگر به اندازه سرمه در چشم یا نمک در غذا». حلقه نخست یاران امام مهدی(ع)، سیصد و سیزده نفراند و البته به همین تعداد، محدود نخواهند ماند. شیخ صدوق روایت کرده است: «مردی کوفی از امام صادق(ع) پرسید: چند نفر به همراه قائم قیام خواهند کرد؟ چون برخی می‌گویند شمار آنها به تعداد جنگ‌جویان بدر (سیصد و سیزده نفر) است. حضرت پاسخ فرمود: او جز با گروه نیرومندان (اولوالقوة) قیام نخواهد کرد و آنها کمتر از ده‌هزار نفر نیستند». در حدیثی دیگر آن حضرت فرمود: «مهدی پس از بیعت سیصد و سیزده نفر، در مکه باقی می‌ماند تا که شمار یارانش به ده‌هزار نفر برسد، سپس از آنجا به مدینه می‌رود». اما در این باره که یاران خاص امام(ع) از کدام سرزمین‌ها هستند، در روایت‌ها به چهار دسته برمی‌خوریم: ۱. مؤمنان واقعی شام و نیکانی از عراق، ۲. مردمی از شرق، ۳. گروهی غیر عرب. سیوطی از علی بن ابی‌طالب(ع) روایت کرده است: «خوشا طالقان! زیرا خداوند را در آنجا گنج‌هایی است که از جنس طلا و نقره نیستند؛ بلکه مردانی در آنجا هستند که خداوند را آنچنان که

### ۱. سخنرانی امام(ع)، نقطه آغازین ظهور

واقعه‌الاولی ظهور، با سخنان امام مهدی(ع) در بین رکن و مقام آغاز می‌گردد. سیوطی از امام محمد باقر(ع) روایت کرده است: «مهدی شب‌هنگام در مکه ظهور کند؛ در حالی که پرچم، پیراهن، شمشیر، نشانه‌ها، نور و بیان رسول خدا(ص) همراه اوست. چون نماز عشا را بخواند با صدای بلند ندا دهد: ای مردم به یادتان می‌آورم لحظه‌ای را که در برابر پروردگارتان خواهید ایستاد. خداوند حجت ستاند، پیامبران را برانگیخت، کتاب را فرستاد، به شما فرمان داد که چیزی را شریک او نگیرید و بر طاعت خدا و رسولش محافظت نمایید. آنچه را که قرآن زنده ساخته، زنده بدارید و آنچه را که بر آن خط بطلان کشیده بمیرانید. در مسیر هدایت یار و یاور یکدیگر باشید و در راه تقوا نیز کمک کار هم؛ که نابودی جهان نزدیک شده و بانک وداعش بلند گردیده است: «من شما را به سوی خدا و رسول و عمل به کتاب او و به ریشه‌کن ساختن باطل و احیای سنت دعوت می‌نمایم». علامه مجلسی از امام علی بن الحسین(ع) نقل کرده است که فرمود: «امام(ع) به پا خاسته و می‌گوید: ای مردم من فلانی پسر فلانی‌ام؛ من فرزند پسر رسول خدایم. شما را به آنچه پیامبر فراخوانده، دعوت می‌کنم. ادر این هنگام گروهی به او حمله‌ور می‌شوند تا به قتلش رسانند اما سیصد و اندی نفر به یاری‌اش قیام کرده، مانع از آن کار می‌شوند». در حدیث دیگری امام محمد باقر(ع) فرمود: او (امام مهدی(ع) به مسجدالحرام می‌آید و چهار رکعت نماز در مقام ابراهیم به جای می‌آورد؛ سپس به حجرالاسود تکیه می‌زند و حمد و ستایش خدای را به جای می‌آورد و از پیامبر(ص) یاد نموده، بر او درود می‌فرستد و سخنانی می‌گوید که هرگز کسی چنان سخنانی نگفته است... آن حضرت در روایتی دیگر، بخش‌های دیگری از سخنان امام مهدی(ع) را متذکر می‌شوند: «... شما را به خدا سوگند می‌دهم هر که سخن مرا می‌شنود به دیگران نیز برساند... ما را یاری کنید و از ما در برابر ستمگران حمایت کنید؛ به ما ستم شده و از شهرهایمان رانده شده‌ایم و حق ما ستانده شده است... آن حضرت همچنین فرمود: «... نخستین جمله او این آیه است: «بقیةالله خیر لکم إن کنتم مؤمنین» پس می‌فرماید: من بقیةالله در زمین هستم...».

### ۲. بیعت یاران

پس از آنکه امام(ع) سخنانش را به پایان می‌رساند، یارانش با او بیعت می‌نمایند. در روایات، نخستین بیعت کننده، جبرئیل(ع) معرفی شده است. در روایت آمده است: «خداوند جبرئیل را به سوی مهدی می‌فرستد. او از امام می‌پرسد: به چه دعوت می‌کنی؟ امام پاسخش را می‌دهد. جبرئیل می‌گوید: من نخستین بیعت‌کننده‌ام، دستت را پیش آور. پس از این، سیصد و اندی نفر به نزدش آمده، بیعت می‌کنند...» درباره مفاد این بیعت،

اختلاف پیدا کرده‌اند. امام مهدی(ع) بر فراز منبر قرار می‌گیرد و سخن آغاز می‌کند. در آن حال مردم آنچنان می‌گریزند که نمی‌فهمند امام(ع) چه می‌گوید. شیخ طوسی روایتی را بدین مضمون نقل می‌کند: «مردم در دومین جمعه از آن حضرت می‌خواهند تا پشت سرش نماز جمعه بخوانند و بلافاصله اضافه می‌کنند: ولی این مسجد گنجایش ما را ندارد. امام(ع) در پاسخ می‌فرماید: «این خواسته شما را پیگیری خواهم کرد». آنگاه به سوی نجف می‌رود و حد و مرز مسجد را مشخص می‌سازد که با طراحی و تعبیه هزار در، گنجایش مردم را داشته باشد. در روایات آمده است: «پس از ورود امام به کوفه، همگی مؤمنان به آن شهر و اطراف آن کوچ می‌کنند و امام(ع) آنجا را منزل خویش قرار می‌دهد. مفضل بن عمر گوید: «به امام صادق(ع) عرض کردم: آقای من، خانه مهدی و محل اجتماع مؤمنان کجا خواهد بود؟ فرمود: مرکز دولت او کوفه است؛ محل صدور احکام و فتوای او در مسجد جامع آن و محل نگهداری بیت‌المال و تقسیم غنایم، مسجد سهله است. محل خلوت کردن او برای نیایش و اعتکاف تپه‌های سفید نجف است.»

#### ۷. گستره حکومت مهدوی

کوفه، نقطه آغازین حرکت جهانی امام مهدی(ع) است. از آنجاست که ایشان به همراه یاران خاصش، حرکت مسلحانه خود را آغاز می‌نماید. باز از مفضل بن عمر بشنویم که از امام صادق(ع) نقل کرده است: «گویی قائم را می‌بینم که روی منبر مسجد کوفه نشسته و گردش را سبب و سیزده نفر به شمار جنگجویان بدر گرفته‌اند، آنان پرچمداران و فرماندهان سپاه قائم و حاکمان خداوند

شایسته اوست پرستش می‌کنند. آنان یاوران آخرالزمانی مهدی می‌باشند.»

#### ۴. طلوع پیروزی

زنجیره پیروزی‌های امام مهدی(ع) از همان شب ظهور آغاز می‌شود. امامیه و عامه روایاتی را به این مضمون نقل کرده‌اند که: «خداوند کار مهدی ما اهل بیت را در شبی اصلاح می‌فرماید». در حدیثی دیگر، امام جواد(ع) این اصلاح یک شبه را به کار موسای کلیم همانند کرده است تا پاره‌ای آتش برای خانواده‌اش برگردد و آنجا بود که به پیامبری برگزیده شد.

#### ۵. فرو رفتن لشکریان سفیانی در زمین بیداء

برخی روایات این واقعه را یکی از حلقه‌های زنجیره وقایع پس از ظهور برشمردند. در روایتی که علامه مجلسی از امام باقر(ع) نقل کرده است، آن حضرت پس از بیان حوادث ظهور و تجمع یاران امام مهدی(ع) و بیعت آنها، از لشکرکشی سفیانی و فرو رفتن لشکرش در حد فاصل مکه و مدینه، به نام «بیداء» خبر می‌دهد.

#### ۶. کوفه، مقصد نخست

شیخ مفید از امام باقر(ع) نقل کرده است که فرمود: «گویی قائم را در نجف کوفه می‌بینم که از مکه با حمایت پنج هزار فرشته، در حالی که جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ و مؤمنان در پیشاپیش او در حرکت‌اند، به آنجا آمده است». در روایت دیگری آن حضرت از ورود امام مهدی(ع) به کوفه خبر می‌دهند در حالی که سه جریان سیاسی در آن شهر با یکدیگر

واقعه والای ظهور، با سخنان امام مهدی(ع) در بین رکن و مقام آغاز می‌گردد. سیوطی از امام محمد باقر(ع) روایت کرده است: «مهدی شب‌هنگام در مکه ظهور کند؛ در حالی که پرچم، پیراهن، شمشیر، نشانه‌ها، نور و بیان رسول خدا(ص) همراه اوست.»



### معرفی یک کتاب عربی

کوفه از پر سر و صداترین شهرهای اسلامی در قرن اول و در کنار حجاز و شام به مرکزیت مکه و دمشق جزو معروفترین شهرهای اسلامی در دو قرن نخست هجری است.

از آنجا که بیشتر مورخان صدر اسلام از منطقه عراق بودند، در تاریخ‌نویسی خود توجه ویژه‌ای به این شهر داشتند و به همین دلیل با خواندن آثاری مانند تاریخ طبری یا انساب الاشراف یا اخبار الطوال می‌توان اطلاعات جامعی درباره شهر کوفه به دست آورد. این شهر از مراکز اصلی شیعه در طول تاریخ پررونق خود در قرون نخستین بوده و زمانی برای نشان دادن تشیع «قم» به این شهر «کوفه صغیر» اطلاق می‌شد که حکایت از عمق تشیع کوفه دارد.

با ساخته شدن بغداد در آغاز نیمه دوم قرن دوم هجری به مرور از اهمیت کوفه کاسته شد و به رغم آنکه تا حوالی یک قرن بعد کم و بیش یادی از آن در منابع هست اما به مرور گویی از صحنه جغرافیای عراق محو می‌شود. با این حال برآمدن نجف و آباد شدن آن و نزدیکی آن به کوفه سبب شد تا بار دیگر این شهر تاریخی بتواند به حیات خود در تاریخ ادامه دهد و تا به امروز کمابیش هویت تاریخی خود را حفظ کند.

کتاب «تاریخ الکوفه» از سید حسین بن السید احمد البراقی الکوفی (م ۱۳۳۲) از آثار یک‌دست و منظمی است که نزدیک به یک صد سال پیش در باره تاریخ این شهر اسلامی نوشته شده است. اثر یاد شده در چاپ جدید با افزوده‌ها و استدرکات سید محمد صادق آل بحر العلوم (م ۱۳۹۹ ق) چاپ شده و اخیراً هم با تحقیق ماجد بن احمد العطیه به شکل بسیار زیبایی چاپ شده است.

این اثر پیش از این به فارسی هم در آمده که طبعاً ترجمه آن بر اساس چاپ‌های قدیمی است. کتاب تاریخ کوفه در واقع یک تاریخ محلی به سبک آثار قدیمی است که روش‌های نوین هم در تألیف آن مورد توجه بوده است. تاریخ، جغرافیا و رجال و نیز آثار تاریخی آن از موضوعاتی است که مورد توجه مؤلف بوده است.